

قدرت اخلاقی - ضامن پیروزی

برای آنکه حزب پیشاهنگ طبقه کارگر بتواند در عرصه پیکار اجتماعی خوش بدرخشد در عرصه عمل از جمله باید اعضای آن طلایه داران اخلاق انقلابی، اخلاق والی پرولتری باشند. کسب حیثیت، محبوبیت، اعتماد مطلق و پشتیبانی از حزب طبقه کارگر در نزد اکثریت توده های زحمتکش که یگانه اهرم مطمئن برای حزب در راه ایجاد دگرگونی بنیادی در جامعه است، بدون وجود اعضا و هواداران برخوردار از صفات و سجایای عالی انسانی و پایبند به اخلاق انقلابی امکان پذیر نیست.

ایمان پرشور و وفاداری به راه و آرمان برکزیده خود، شجاعت و سخت کوشی، رازداری و خویشتن داری، منضبط بودن، حفظ واقع بینی در برخورد با مسائل و رویدادها و برداشت منطقی از آنها و خونسردی در شرایط دشوار از جمله عناصر اخلاق انقلابی است. از آنجا که پرورش در جامعه طبقاتی با اثرگذاری معین صفات و خصوصیات منتهی و ناسالم بر انسانها همراه است، کسب صفات مثبت و سجایای انقلابی برای پیکارگران راه رهائی زحمتکشان امری هر چند بسیار دشوار، ولی در عین حال ضروری است. کسب این صفات و سجایا بدون خود بازپروری مدام و گاه بسیج تمامی امکانات جسمی و روحی میسر نیست. در امر خود بازپروری انقلابی، پیش از هر تلاشی، آگاهی از کمبودها و کاستیها ضرورت دارد. از این روست که لنین کبیر میگوید:

"... فقط کافی است که انسان بخواهد خصال لازم را در خود بیوراند! فقط کافی است که انسان از آگاهی به چگونگی کمبودهای خویش، که در کار انقلابی همسنگ با نیمی از رفع آنهاست، برخوردار باشد!" (لنین، "چه باید کرد؟"، ص ۲۷).

عاشقان محرومان، با الهام از آماجهای بزرگ انسانی خود، باید ضمن تلاش برای شناخت "کمبودهای خویش" راه هر چند دشوار و پردرد خود بازپروری مدام را در تمام زندگی انقلابی خود ببینایند تا برانزده نام پرطنین انسان طراز نوین گردند.

بقیه در ص ۷

درصحات بعد

* **دگرگونسازی و نواندیشی**
در ص ۴ برای ما و سراسر جهان
* **چهلمین نشست شورای عمومی**
فدراسیون سندیکائی جهانی

در ص ۲

دروندان گوهردشت

جیره غذایی زندانیان سیاسی از جهت کیفی بسیار پائین و از جهت کمی اندک است. بطوری که زندانی باید با هزینه شخصی خود کمبود غذا را جبران کند. نبود و یا کمبود بسیاری از امکانات و غذا و اجبار زندانیان به تأمین آنها فشار مالی سختی به زندانی و مالا به خانواده او وارد می کند. این مطلب را

بارها خانواده زندانیان کتبی و شفاهی - به اطلاع مقامات زندان رسانده اند. زندانیان می گویند: "یا انزجار نامه بنویسند و یا همین است". دژخیمان می خواهند با گرسنه نگهداشتن زندانیان آنان را وادار به تسلیم کنند. برای نمونه به غذای زندان اشاره کوتاهی می شود: بقیه در ص ۲



شماره ۱۸۲ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۹/۲
بهاء ۲۰ ریال

"کربلاهای متعدد و متوالی"

تدارک برای سرکوب کردن علنی و وسیع مردم و قربانگاه فرستادن جوانان و مردان ۱۷ تا ۴۵ ساله زیر عنوان "جهاد مالی" و "جهاد جانی" که این روزها محور هرزه پراکنی های ج.ا. از طریق رسانه های گروهی است، در جهت جامه عمل پوشاندن به هدفهای ضدخلقی رژیم در "مرحله جدید" است. همانطور که بازها گفته ایم رژیم هستی اش را در گرو ادامه جنگ می بیند. بنابراین به رغم همه موانع خود را آماده می کند که برای نجات خویش به گسترده ترین جنایتها دست بزند. بدینسان در جریان فاجعه قابل پیش بینی "کربلاهای متعدد و متوالی" باید در انتظار کشتارهای وسیع در سطح جبهه ها و تلافیات جانی و مالی بازم بیشتر در مراکز کار و زندگی زحمتکشان هر دو کشور باشیم. همچنین با اعلام پشتیبانی کنفرانس اخیر سران کشورهای عرب در امان از رژیم عراق برای "دفاع از خاک، آبهای ساحلی و حرمق قانونی خویش" و نیز موج جدید حمله به کشتیها و حرکت های توطئه آمیز ایالات متحده امریکا خطر گسترش تشنج و جنگ در منطقه را بیشتر می کند. بقیه در ص ۲

رفسنجانی، نماینده خمینی در "شورای عالی دفاع" اعلام کرد: "ما وارد مرحله کاملاً جدیدی شده ایم و مقدمات یک درگیری شدید مسلحانه بین کفر و اسلام در حال فراهم شدن است". در سخنان او "مرحله جدید" بمثابه "گامی بلند در جهت جدی گرفتن جنگ در مرزها با عراق و جدی تر گرفتن احتمال برخورد با امریکا در خلیج فارس" تفسیر شد.

سخنان رفسنجانی، بویژه در زمینه ادامه جنگ با عراق، را بر خلاف مواضع دولت مردان ج.ا. درباره قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت نباید باد هوا تلافی کرد. استناد او به اعلام نظر ۲۲ آبان خمینی در پاسخ به نامه "شورای عالی پشتیبانی جنگ" است. خمینی نوشته است: "واضح است و کرارا گفته شده است که این جنگ تحمیلی در راس امور داخلی است و لازم است به همت همه اقشار کشور هرچه سریعتر با عنایات حق تعالی پیروزی بدست آید. بنابراین آنچه که شورای عالی پشتیبانی جنگ و متخصصان امور جنگ ضرورت تشخیص داده اند باید عمل شود و کوتاهی نکرده".

نبود امنیت جانی در مراکز کار و تولید

دستان یا انگشتانی قطع نکردد و یا بیماریهای حرفه ای زحمتکشانی را برای همه عمر علیل و زمینگیر و خانه نشین ن سازد. حلقه شوم افزایش سوانح کار و بیماریهای حرفه ای به حلقه شوم دیگر یعنی محرومیت از تأمین اجتماعی جوش خورده و این دو حلقه، در شرایط بحران ژرفنده اقتصادی-اجتماعی و ادامه جنگ که سنگین ترین پیامدهای فاجعه بار آن متوجه زحمتکشان است، بالتوجه تک تک کارگران را با آینده ای تیره و ملامال از محرومیت رویاروی ساخته است.

بقیه در ص ۶

خبرهای پر شمار دریافتی از مراکز کار و تولید حاکی از آنست که همروند با بدتر شدن مطلق شرایط کار و زندگی کارگران - که شاخص های عمده آن عبارتست از افزایش بیکاری و فشرده تر شدن صنوف ارتش بیکاران و کاهش روزافزون دستمزد واقعی - بر تعداد سوانح کار (آسیب های صنعتی)، بیماریهای حرفه ای و بیماریهای گوناگون ناشی از شرایط نامناسب کار، بیش از پیش افزوده می گردد.

روزی نیست که در نتیجه تشدید آهنگ کار و نبود سیستم وسایل ایمنی در کارگاهها و کارخانه ها، کارگرانی به کام مرگ نیافتند،

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

"گر بلاهای متعدد دو..."

روند تدارک "مرحله جدید"، که از مدتی پیش آغاز شده است، زمانی شدت بیشتری به خود گرفت که رژیم از سازمان ملل متحد "قطع امید" کرد و نتوانست مواضع غیر منطقی خود را به آن تحمیل کند. نخست وزیر ج.ا. ۱۴ آبان گفت: "امیدی به حل مسئله جنگ از طریق شورای امنیت نداریم. منتها برای قطع بهانه جویی‌ها در چارچوب اصول خود از تماس و توضیح مواضع خود ابا نمی‌کنیم". در واقع ج.ا. بر ادامه جنگ و "حل نظامی" پای می‌فشارد و "تماس و توضیح مواضع" نوعی بازی دیپلماتیک و برای خالی نبودن عریضه است. لب کلام رجائی خراسانی، نماینده ج.ا. ۱۰ پس از پاسخ کتبی رژیم به پیشنهادهای اخیر دبیر کل سازمان ملل متحد - در اعلام مواضع رژیم چنین است: "ما هیچگونه آتش‌بس، عقب‌نشینی و این جور مسائلی را نخواهیم پذیرفت. مگر اینکه کمیته‌ای تشکیل شود و قبل از هر چیز متجاوز را معرفی کند... اگر متجاوز اعلام شود، آنگاه ما از جامعه بین‌المللی خواهیم خواست آثار تجاوز را تعیین کند، غرامت را تامین کرده و تکلیف امنیت منطقه را مشخص کند. زیرا امنیت منطقه با وجود یک رژیم متجاوز حفظ نمی‌شود".

تلاش رژیم برای تامین هزینه جنگ بوسیله "جهاد مالی" و فراخواندن هر "کاسب جزه" و "کارگر معمولی" و "خانم خانه‌دار" و غیره به "بذل و بخشش" هستی خود با هدف به اصطلاح باهتر از درآوردن "پرچم پرافتخار اسلام بر کاخهای بلند زورگویان دنیا" پیش از هر چیز نشان می‌دهد که بحران فراگیر اقتصادی و افلاس مالی رژیم برای اداره جبهه‌ها امری بسیار جدی است و به همین دلیل دست تکیه بسوی مردم دراز کرده است. بدیهی است که صحنه‌سازی تفهیل تامین هزینه ۵۰ نفر رزمنده توسط خبیثی (البته از جیب "امت") نمی‌تواند چندان موثر باشد. "لبیک" گویان رژیم نه توده‌های زحمتکش، بلکه عمدتاً مشت‌های دزد و غارتگر و مراکز و بنیادهای چپاول هستند که چون ادامه جنگ و بقای رژیم را ضامن ادامه غارت خویش می‌بینند، ناگزیر در ازای چاپیدن بی‌حساب مردم بخشی از "درآمد" خود را به کیسه کشاد رژیم جنگ طلب می‌ریزند. رژیم برای اخاذی از مردم و گسیل جوانان و نوجوانان به جبهه به حیل‌های گوناگون و از جمله سوءاستفاده از باورهای مذهبی زحمتکشان دست می‌زند. در این چارچوب بر "واجب‌الاطاعه" بودن فتوای "ولی فقیه" و مراجع تقلید تکیه می‌کند. وظیفه ما تحریم جبهه‌ها، افشای فریبکاری‌های رژیم و تلاش برای سازماندهی توده‌ها و تبدیل حرکت‌های اعتراضی خودپرو و کم‌دامنه به حرکت‌های متشکل و پیرامنه است. در بستر این حرکت‌هاست که جنبش خلق، از جمله علیه جنگ و در راه صلح، نضج خواهد گرفت.

در زندان..."

۱- صبحانه هر هفته شکل خاصی دارد. یک هفته شامل سه روز پنیر و چهار روز مربا، هفته بعد سه روز پنیر، سه روز مربا و یک روز حلوا. هفته بعدی هفت روز پنیر و... جیره پنیر ۲۰ گرم تعیین شده که اغلب کمتر از آن به زندانی داده می‌شود و جیره مربا یک قاشق است. ۶ حبه قندجیره روزانه یک زندانی است.

۲- نهار: "باقلاپلو با گوشت" و یا با ماست. گوشت داخل باقلاپلو ۵ گرم است که چرخ کرده‌اند، بطوریکه دانه‌های چرخ‌کرده آن داخل برنج قابل شارش است. بیشتر اوقات بجای گوشت ماست روی پلو می‌ریزند. جیره برنج به اندازه یک فنجان است. عدس پلو یک فنجان فاقد گوشت. خورش قیمه که ترکیبی است از کمی سیب‌زمینی و اندکی گوشت که کمتر از ۱۰ گرم است. پخت غذا بسیار بد و غذاهای بدون خورش از کیفیت و کمیت بسیار بدتری برخوردار است. اواپی خرداد گوشت قرمز و مرغ بطور کلی از غذای زندانیان حذف و برای اولین بار آبگوشت بدون گوشت به زندانیان داده شد.

۳- شام: لوبیا، عدس، سوپ، آبگوشت (هرنفر ۲۰ گرم) بییزان یک فنجان. برای بیماران گوارشی هیچگونه غذای مناسب داده نمی‌شود. نان خمیر را اگر زندانی پس بدهد، جیره غذایی‌اش قطع می‌شود. خرید زندانی از فروشگاه زندان بطور متوسط در ماه ششصد تومان است که هشتاد درصد آنرا مواد خوراکی در بر می‌گیرد. بطور کلی خرید یک تن سیب زمینی، هفت هزار تومان پنیر (هر کیلو ۱۲۰ تومان) برای مدت یک ماه در یک سالن گویای واقعیت دردناک جیره غذایی زندان است.

جدا از گرسنه نگهداشتن زندانیان، تزیینات فراوانی به زندانیان سیاسی تحمیل می‌شود که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

۱- زدن چشم‌بند از لحظه دستگیری تا پایان حکم. از این طریق زندانی مرتب تحت فشار روحی قرار می‌گیرد. تحمیل چشم‌بند گاهی تا ۲ سال بطول می‌انجامد.

۲- توهین و ضرب و شتم توسط نگهبانان و پاسداران به بهانه‌های واهی. گاهی بطور وحشتناکی زندانی را با چشم بسته زیر مشتم و لگد می‌گیرند.

۳- هواخوری از لحظه دستگیری تا پایان بازجویی ممنوع است. پس از آن، در اتاق‌های عمومی در بسته روزانه ۴۰ تا ۶۰ دقیقه و در سالن‌های عمومی روزانه ۴ ساعت در یک حیاط کوچک و تنگ، روزهای تعطیل اغلب هواخوری ممنوع است.

۴- ملاقات‌ها فقط هر ۱۵ روز یکبار، از ۱۵ الی ۲۰ دقیقه است. اگر روز ملاقات با روزهای تعطیل مصادف شود، برنامه ملاقات حذف می‌شود.

۵- چشم‌پزشک حتی سالی یکبار نیز آورده نمی‌شود و دندانپزشک نیز دیر به دیر برده می‌شود.

به برنامه‌های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهدید!

هم میهنان عزیزا کارگران و زحمتکشان! رادیوی زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی‌بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهدید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۳۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

هزینه سنگین پرکردن دندان به عهده زندانی است. نمونه بوده است که یک زندانی که دندان‌اش را پزشک پر کرده بوده است، چون نتوانسته پول پرکردن دندان خود را بپردازد، پزشک دندان او را خالی کرده است.

۶- فرستادن نامه به بستگان درجه اول تا ۵ خط، هر سه هفته یکبار مجاز است. مسئول نامه زندان بدون هرگونه دلیل یکی دو خط آن را سیاه و یا کل نامه را توقیف می‌کند. گاهی از نامه‌ها بعنوان مدرک استفاده می‌شود.

۷- فضای لازم در سلولها برای زندانی وجود ندارد. دو تا سه برابر ظرفیت یک اتاق، زندانی در آن جا داده‌اند و سلولها فاقد هرگونه دستگاه تهویه و سیستمهای سرد و گرم کننده است.

۸- صابون، پودر و مایع ظرفشویی مدتی است که قطع شده است. قبلاً جیره ماهانه هر زندانی عبارت بود از یک صابون دستشویی و یک صابون رختشویی کوچک. در فروشگاه زندان صابون رختشویی ۸ تومان، صابون حمام ۱۶ تومان و مایع ظرفشویی یک لیتری، ۲۶ تومان فروخته می‌شود.

۹- از اواپی خرداد استفاده از نشریات مجاز ممنوع، حتی یک کانال سراسری تلویزیون بسته شده است. فقط بعضی برنامه‌های عادی تلویزیون از طریق ویدئوپخش می‌شود. استفاده از رادیوی نیز ممنوع است.

این بود گوشه‌ای از شرایط سخت و دشوار زندانهای رژیم جمهوری اسلامی.

دموطنان،

جبهه‌های جنگ را

تحریم کنیم!

چهلمین نشست شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی

نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکائی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن ارائه تحلیلی جامع از اوضاع سیاسی ایران و تاکید بر فقدان آزادی‌های سیاسی، نقض حقوق بشر و عدم وجود آزادی‌های سندیکائی و شورایی برای کارگران و زحمتکشان و با توضیح سیاست و منافع رژیم مرتجع ج.ا. و همچنین امپریالیسم جهانی در ادامه این جنگ فرسایشی بر اجرای فوری قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت سازمان ملل تاکید کرد و افزود: "... باید تلاشها را دوچندان کرد. حرکت‌های هماهنگ را تقویت و ارتباطات همبستگی، بویژه در بین کارگران خاورمیانه را مستحکمتر ساخت و توطئه‌های امپریالیسم و سیاست نواستعماری آن را بی‌اثر ساخت.

در پایان سخنرانی‌های نمایندگان شرکت‌کننده در این نشست، قطعنامه‌های متعددی به تصویب رسید. قطعنامه "درباره جنگ ایران و عراق..." از لحاظ اهمیتی که دارد عیناً منتشر می‌شود:

کشور است.

۵- شورای عمومی، کارگران و سندیکاهای همه کشورها را فرامی‌خواند تا با بکار گرفتن راهها و ابتکارات متنوع، به منظور اجرای قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز برای تامین آزادی کشتیرانی در آبهای بین‌المللی، فعالانه عمل کنند.

۶- شورا، خواستار خروج همه ناوگانهای نظامی از خلیج فارس، برچیده شدن پایگاهها و تاسیسات نظامی و پایان بخشیدن به حضور نظامی امپریالیسم در عربستان سعودی، عمان، بحرین، سومالی، و دیگر کشورهای خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ و نیز استقرار صلح و امنیت در این منطقه است.

بخارست، ۲۱ اکتبر ۱۹۸۷



درستی خط مشی کنگره یازدهم فدراسیون و آثار مثبت آن، به تشریح عواقب فلاکت‌بار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جنگ برای مردم و بخصوص کارگران ایران پرداخت و اظهار داشت: "... هم اکنون ۱۲ میلیون ایرانی در زیر مرز فقر زندگی می‌کنند و ۲۲ میلیون تن دیگر قادر نیستند با حقوق ناچیز خودسروته هزینه زندگی را هم بیاورند... اخراجهای دسته‌جمعی به سیاست ثابت رژیم بدل شده است، بطوریکه تنها در سال جاری تعداد ۷۵۰ هزار کارگر در معرض اخراج قرار دارند." وی همچنین خاطرنشان ساخت: "تعداد بیکاران اعلام شده از مرز ۲/۸ میلیون نفر که ۲۹ درصد جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند بالا رفته و با احتساب سایر بیکاران نسبی و کاذب این تعداد به حداقل ۵ میلیون تن می‌رسد. در چنین شرایط فاجعه‌باری است که سرمایه‌داران بزرگ و بازاریان از قبیل غارت از جیب مردم و بویژه کارگران ثروتمند می‌شوند..."

قطعنامه در مورد اوضاع منطقه خلیج فارس و جنگ ایران و عراق

است.

۲- شورای عمومی نظر همگان را به این نکته جلب می‌کند که تشدید دوباره جنگ ایران و عراق، بخش جدایی‌ناپذیری از استراتژی کلی امپریالیسم است و به افزایش وخامت اوضاع در خاور نزدیک منجر می‌شود. ادامه این جنگ نه تنها با رشد اقتصادی - اجتماعی موزون، بلکه با منافع کارگران و خلت‌های این منطقه، تضاد دارد.

۴- شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی خواهان خاتمه فوری جنگ ایران و عراق و حل و فصل صلح‌آمیز تمامی مسائل مورد اختلاف بین دو

چهلمین نشست شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی از ۲۸ تا ۲۱ اکتبر در بخارست برگزار شد. در این نشست ابتدا ابراهیم ذکریا، دبیر کل فدراسیون گزارش جامعی درباره تصمیمات کنگره یازدهم فدراسیون سندیکائی جهانی که در دسامبر ۱۹۸۶ در برلین، پایتخت آلمان دمکراتیک، برگزار شده بود، ارائه داد و آثار مثبت این تصمیمات را در جنبش سندیکائی جهانی، طی یک سال اخیر مورد ارزیابی و تاکید قرارداد.

نماینده‌گان سندیکاهای جهان، در این نشست، طی سخنرانی‌هایی درباره اوضاع و احوال کشورهای فوق، از جمله مسئله جنگ ایران و عراق را بخاطر اهمیت بین‌المللی آن مورد توجه قرار دادند. نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکائی کارگران ایران نیز در این نشست سخنرانی مبسوطی پیرامون وضع کنونی ایران ایراد کرد. وی در ابتدای سخنان خود با اشاره به

۱- چهلمین اجلاس شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی نسبت به استقرار قابل ملاحظه نیروهای نظامی ایالات متحده و "ناتو" در منطقه خلیج فارس، که موجب وخیم‌تر شدن جدی اوضاع و افزایش بارم بیشتر تشدید عملیات نظامی می‌شود، نگرانی خود را ابراز می‌دارد.

۲- شورای عمومی تاکید می‌کند که علیرغم صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز تلاشهایی که دبیرکل این سازمان به نفع صلح به عمل می‌آورد، ادامه جنگ میان ایران و عراق موجب گسترش دامنه آن، تحکیم منافع امپریالیستی، شرکت‌های نفتی و سایر انحصارات شده و بهانه‌ای برای توجیه افزایش بازهم بیشتر حضور نظامی امریکا و دیگر کشورهای عضو "ناتو" در این منطقه از جهان گردیده است. حضور نظامی ای که جزئی از استراتژی کلی جهانسالاران امریکا

مرگ برتو، جنگ مردم خوار!
جنگ مردم در سرای مردمان آوار! می‌خورد دندان‌های تشنه اش را زنگ.

هستی از کف داده!

ای محروم!

نیست نان

لبخند.

ارغوان بر سینه ات گل کرده ناهنجار!
مادر من! میهن دلخون!

دیو آدم خوار را بنگر پیرشانکار.
گر نباید شیشه عمرش به سنگ سخت درکوبید

یا به کام شعله اش انداخت

پس چه باید کرد؟

راستی را چیست اینک چاره ناچار؟

میبری ای وحشی بیمار هر پیوند
ارمغانت مرگ و ویرانیست
تا تو هستی نکبت و آوارگی بسیار.

از کف مردان نان‌آور

می‌ربایی پتک با نیرنگ.

داس می‌افتد به سویی



به خواننده

این کتاب را با شوق روی آوری مستقیم به خلتها، به خلتهای اتحادشوروی ایالات متحده آمریکا و هر کشور دیگری که باشد نوشتیم. ما مجبوریم با یکدیگر معاشرت داشته باشیم، ما مجبوریم مسائل را با روح همکاری و نه دشمنی حل کنیم، خوب می دانم که همه با اندیشه هایم موافقت نمی کنند. این کتاب سهم من در این راستاست.

دگرگونسازی

سرچشمه، محتوی، سرشد، انقلابی

دگرگونسازی -

نهار به مرحله پختگی رسیده

دگرگونسازی و نواندیشی

برای ما و سراسر جهان

گزیده هائی از کتاب

میخائیل گارباچف

بالا در مورد دگرگونسازی ما مناسب نیست، دست کم اگر و مگرهای عمده ایرا می طلبد. آری، مبتکر دگرگونسازی رهبری حزب بود و برنامه اش در نهادهای عالی حزبی و دولتی تدوین و پذیرفته شد.

... دگرگونسازی امر انقلابی راستین نمی بود، دامنه امروزی را کسب نمی کرد، امکان استوار برای پیروزی نپیدا داشت اگر در آن ابتکار بالا با جنبش وسیع توده ای از پائین با هم یکی و متحد نمی گردید، و اگر در آن منافع ریشه ای و بنیادین همه زحمتکشان تبلور نمی یافت.

دگرگونسازی آغاز شده نخستین نتایج

... ما تجربه معینی داریم - عیبی ندارد که تا حال دامنه آن محدود است. نخستین نتایج امیدوار کننده را بدست آوردیم اما کارمان بدون ندانکاری و خطا به انجام نرسید. اکنون امکانات و نقاط ضعف خود را بهتر می بینیم. و همچنان بر آنیم که در آغاز کار هستیم. بهر حال دگرگونسازی وارد زندگی ما شده و توده های وسیع شهروندان را به مدار خود جذب کرد. به این مفهوم دگرگونسازی یک واقعیت است.

جامعه در حرکت است

... حتی یکسال پس از گنگره، در لایه های گوناگون جامعه و از جمله در خود حزب هنوز کسانی همچنان فکر می کنند که مشی دگرگونسازی نه سیاست همیشگی بلکه یک کارزار نوبتی است... حتی بدبینان خانه زادی یافت شدند که در راهروهای ادارات پوزخند زدند: دورانهای مختلفی داشته ایم، این یکی را هم از سر خواهیم گذراند. در جامعه نگرانی درباره سرنوشت دگرگونسازی افزایش می یافت: از هم می پرسیدند آیا همه چیز روی ریل های قدیمی باز خواهد گشت؟

در پلنوم ماه آوریل ما علل بغرنجی و متضاد بودن وضع را تجزیه و تحلیل کردیم. کوشش نمی کردیم فقط از گذشته انتقاد کنیم و از این یا آن مسئول نام ببریم. مگر تمام کار از این تشکیل می شود که بهر قیمت از کسی نام برده شود؟ ارزیابی پدیده ها، و تجزیه و تحلیل روندها و کشف گرایشها لازم بود. ما تلاش می ورزیم اینکار را بکنیم.

روشنائی بیشتر عنایت

... روند دموکراتیزاسیون که در کشور جریان دارد نه تنها در انتشارات با زتاب می یابد بلکه همچنین بگونه ای گسترش یافته فعالیت خود رسانه های گروهی را فرا می گیرد. گوئی بتدریج روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون ما از انجماد بیرون می آیند و موضوعات تازه را بیان می کنند. یکی از نشانه های جنب و جوش عمومی مطبوعات برتری قائل شدن برای گفتگو بجای گزارشهای یکجانبه است.

گزارشها و تنها گزارشها، پیوسته بیشتر جای خود را به مصاحبه های رنگارنگ، گفتگو پشت "میزهای گرد" و انتشار نامه های خوانندگان می دهد. انتقاد قبل از هر چیز باید از روی مسئولیت انجام گیرد و هر قدر شدیدتر باشد، همانقدر باید مسئولانه تر باشد. چرا که این یا آن مقاله روی موضوعات اجتماعی - اظهار نظر و طرح دیدگاههای شخصی و بدتر از آن بیان عتفه ها و جاه طلبی ها نیست. روند دموکراتیزاسیون تصحیحات زیادی در

دگرگونسازی یک نیاز به مرحله پختگی رسیده است که از روندهای ژرف توسعه جامعه سوسیالیستی ما سربرداشته است. جامعه برای دگرگونیها پخته شده و میتوان گفت بیش از اندازه انتظار کشیده است. تاخیر در دگرگونسازی میتواند در کوتاهترین مدت، منجر به حادث شدن وضع داخلی گردد که صادقانه باید گفت در بطن خود تهدید جدی بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را نهفته داشت... "بدون مسئله" وانمود کردن واقعیت زندگی خدمت بدی بما کرد: میان حرف و عمل فاصله افتاد و موجب بی تفاوتی اجتماعی و ناپاوری به شعارهای داده شده گردید. طبیعی است که در چنین وضعی، اعتماد نسبت به آنچه که بسوی آن فرا می خواندند، آنچه که پشت کرسی های خطابه گفته می شد و یا در روزنامه ها و کتابهای درسی می نوشتند، شروع به سست شدن کند.

ستوط اخلاق اجتماعی آغاز شده بود و حس ارزشمند همدردی میان مردم تضعیف میگردید.

نه اعلامیه های پرطنین، بلکه برنامه موثکافانه تدارک شده

این فرمول برجسته لنین از مدتها پیش مرا بسوی خود می کشید: سوسیالیسم - آفرینندگی زنده توده هاست. سوسیالیسم یک طرح نظری دلخواه نیست که بر پایه آن جامعه به امر کنندگان و امر بران تقسیم شود. دل من از این درک مکانیکی و ساده نگرانه سوسیالیسم بهم می خورد. درست خلق، انسان، با مجموعه آفرینندگی پرمتنوعش ایفا کننده اصلی نقش تاریخی است. از این رو وظیفه بنیانی دگرگونسازی و وثیقه موفقیتش همانا بیدار کردن انسان، فعال کردن و علاقمند کردن اوست بگونه ای راستین و دست یافتن به اینکه هر کس خود را صاحب کارگاه، صاحب انستیتوی خود احساس کند. عمده اینست.

درسهای تاریخ

... دلیلی نداریم که درباره اکثر و سوسیالیسم شرمگینانه و درگوشی صحبت کنیم. اما ما گذشته را در کلیت تام و تمام و بغرنجیش می پذیریم. عظیم ترین دستاوردهای ما هم، نه تضادهای موجود در رشد جامعه و نه اشتباهات و ندانکاریها را نمی پوشاند و خود ایدئولوژی ما هم ماهیتا انتقادی و انقلابی است.

دگرگونسازی - این انقلاب است

... بعضی ها کاربرد واژه "انقلاب" را در مورد دگرگونسازی درک نمی کنند، برخی حتی از عبارت "اصلاحات" نیز بیم دارند. اما لنین از کاربرد این واژه ها نمی ترسید و حتی به بلشویکها، هنگامیکه رشد انقلاب در شرایط نوین طلب می کرد، آموزش "رفرمیسم" می داد. و امروز برای ما هم رفرم های بنیادین برای تحقق دگرگونیهای انقلابی لازم است.

"انقلاب از بالا؟" حزب و دگرگونسازی

دگرگونسازی بعنوان یک مجموعه توسط حزب و رهبریش آغاز شد. گوئی ما از راس هرم بسوی قاعده آن حرکت کردیم. اما بهر حال فرمول "انقلاب از

شده بیشتر صحیح است. لنین همیشه روی پایه های واقعی زندگی تکیه می کرد و منافع زحمتکشان چراغ راهنمای او بود.

سیاست اجتماعی-دگرگونسازی

... در اوضاع کنونی غیر فعال بودن آن رهبرانی که از اختیارات داده شده به آنان برای حل مسائل اجتماعی استفاده نمی کنند بویژه غیر قابل تحمل است. در این رابطه، از یکسو عادت به اینکه به اینگونه مسائل بر پایه باصطلاح "اصل باقی مانده" امکاناتی داده شود، یعنی برای نیازهای اجتماعی آن پولی هزینه شود که پس از برآوردن نیازهای تولید باقی مانده باشد و از سوی دیگر روانشناسی جا افتاده مفت خوری، بیاد انسان می آید.

... برای ما بیش از هر چیز نقش انسان در امور میهنی اهمیت دارد. ما باید کار پر محصول در تولید و بروز استعداد نویسنده، دانشمند و هر انسان شرافتمند و زحمتکش در کارهایش را تشویق کنیم. در اینجا باید کاملا روشن بشود که سوسیالیسم یعنی یکسان سازی نیست.

غرب و دگرگونسازی

ما داشا توجه می کنیم که دگرگونسازی ما در آنسوی مرزهای کشور و بویژه در غرب چگونه درک می شود. این نه از روی کنجکاری، بلکه برخاسته از وظیفه ای است که سیاستمداران دارند. می بینم که روندهای دگرگونسازی نه فقط خود بخود و نه تنها بمثابة مسئله سرنوشت یک خلق کبیر توجهی فزاینده را برمی انگیزد. دگرگونسازی ما بحق بعنوان رویدادی با پیامدهای بزرگ بین المللی درک می شود. ...

تصور درست درباره دگرگونسازی کلید فهم مشی سیاست خارجی اتحاد شوروی نیز هست. حقیقت دگرگونسازی، پاسخگوی منافع صلح جهانی و امنیت بین المللی است. وقتی ما غرب را به تجزیه و تحلیل شرافتمندانه و به دور از خودپسندی کارهایمان فرا می خوانیم، فقط منافع خودمان را در نظر نداریم. ناتوانی و یا عدم تمایل به درک محتوای دگرگونسازی، نقطه عزیمت برای فریبکاری در مورد مقاصد ما در خارج و یا کوششی تازه برای حفظ و تعمیق بی اعتمادی میان کشورها و خلیهات است.

گزیده هائی از بخش دوم کتاب رفیق گارباچف را زیر عنوان "نواندیشی و جهان" در شماره آینده خواهید خواند.

حال رشد هستند. آنها تاکید می ورزند، تا هنگامی که تسلط اقتصادی و سیاسی کشورهای امپریالیستی در کشورهای در حال رشد مستقی و آزاد باقی است فقر، عقب ماندگی و ناتوانی آنها ادامه خواهد یافت. کشورهای سوسیالیستی خواستار تشکیل کنفرانسی تحت نظر سازمان ملل متحد درباره پیوند بین خلق سلاح و تکامل هستند. (این کنفرانس چندی پیش در نیویورک تشکیل شد - "نامه مردم"). آنها تاکید می ورزند که باید برای خلق سلاح عمومی تلاش وسیعتری انجام گیرد، زیرا هر گامی که در این جهت برداشته شود تکامل و ترقی انسانی را تسریع خواهد کرد.

انتباس از خبرگزاری "صوفیا پرس"



مناسبات متقابل انتقاد کنندگان و انتقادشوندگان وارد می کند. این مناسبات باید با روح مشارکت و بر پایه انگیزه مشترک بنا شود. در کشور ما بسیاری کارکنان هستند که همچنان سخت دردمندان نسبت به انتقاد در رسانه های گروهی و واکنش نشان می دهند. در ارزیابیهای انجام گرفته در این یا آن مقاله و یا در گزارشهای رادیویی، سلیقه های شخصی، تجارب کهنه شده و درک نادرست از منافع جامعه را وارد می سازند و صاف ساده نا گاهی خود را نسبت به نقش مطبوعات در جامعه معاصر سوسیالیستی بنمایش می گذارند. اتفاق هم می افتد که از واکنش تبلیغاتی غرب که از این یا آن مقاله انتقادی سواستفاده می کنند می ترسند. اما اینها مرا نمی ترساند. بازاندیشی انتقادی تجربه های شخصی نه نشانه ضعف، بلکه نشانه قدرت است. بویژه چنین برخوردی است که به اصول ایدئولوژی سوسیالیستی پاسخ می دهد.

مشی نوین اقتصادی و سیاسی در عمل

اصلاحات اقتصادی - پهلوم ماه ژوئیه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی حزب

کمیته اتحاد شوروی

... در زندگی واقعی جامعه هیچگاه اتفاق نمی افتد که یک نظام مدیریت اقتصادی، آنچنانکه گوئی صحبت درباره یک ساختمان مکانیکی است از پایه با سیاست دیگری حتی اگر کاملتر هم باشد جانشین شود. وظیفه درست کردن یک مکانیسم پویا و انعطاف پذیر که بتواند با حساسیت، دگرگونیهای تولید را بنهد و داشا نوسازی شود، متری را جذب و کهنه را دفع کند در برابر ما قرار دارد. زندگی این روند را تصحیح خواهد کرد و اصلاحاتی در آن وارد خواهد ساخت.

بالت رنده دگرگونسازی

... ما برآنیم که یکی کردن منافع شخصی با سوسیالیسم، امروزه هم مسئله عمده باقی می ماند. البته منافع به مفهوم کلی در نظرات و نه منافع مادی شخصی. برای ما سوسیالیسم "ناب" آئینی و ساختگی، بلکه سوسیالیسم واقعی و لنینی لازم است. لنین در این مورد خیلی روشن اظهار نظر کرده است: حال که صنایع سنگین و حاکمیت در دست ماست - از هیچ چیز نباید بهراسیم. با تکیه کردن بر این نیرو دگرگونیهای سوسیالیستی را همچنان برنامه تحقیق بخشیم. این یک کار راستین سوسیالیستی است. این شیوه در آنموقع صحیح بود و اکنون هم که جامعه از نظر اقتصادی و سیاسی نیرومند

علیه ادامه جنگ و...

جهان را در خود متمرکز کرده اند فقط ۶/۲ درصد از مجموعه کل پولی، که در جهان برای بهداشت و درمان بکار می رود، مصرف می شود؛ حد متوسط میزان عمر (انتظار عمر) در بسیاری از کشورهای در حال رشد بین ۱۵ تا ۲۰ سال است؛ مرگ و میر کودکان ۱۰ تا ۱۵ بار بیشتر از کشورهای رشديافته است. در اکثریت کشورهای در حال رشد بین ۶۰ و ۷۰ درصد کودکان امکان ندارند، به مدرسه بروند و ۸۰ تا ۹۰ درصد افراد بالاتر از ۱۵ سال بیسوادند. سهم کشورهای در حال رشد در بودجه جهانی آموزش فقط ۱۲ درصد است.

کشورهای سوسیالیستی خواستار قطع هرگونه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای امپریالیستی و دخالت آنها در امور کشورهای در

کشورهای سرمایه داری، از یک سو، در این کشورها سلاح انبار می کنند و از سوی دیگر با نقاب انسان دوستی گندم در مشت آنها می ریزند. در سال ۱۹۸۰ کشورهای در حال رشد مجبور شده اند، برای سیر کردن شکم اهالی خود از غرب ۸۰ میلیون تن گندم بخرند و ارزش آنها با بهره سنگین، گاه حتی بیش از قیمت اصلی گندم بپردازند. تنها گرسنگی میلیونها نفر از مردم کشورهای در حال رشد را رنج نمی دهد، بلکه عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی در اکثر این کشورها آشکارا مشاهده می شود. آمارهای بین المللی نشان می دهند: بیش از ۲ میلیارد نفر از آبهای آلوده برای آشامیدن استفاده می کنند. در کشورهای نامبرده که بیش از نیمی از جمعیت

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

نبود امنیت جانی در...

در سالهای اخیر، وزارت کار رژیم از انتشار هرگونه آمار رسمی درباره تعداد سوانح محیط کار خودداری ورزیده است. علت اصلی عدم انتشار آمار سوانح محیط کار از تعداد پر شمار آنها که بخودی خود افشاگر سیاست ضدکارگری رژیم است، ناشی می‌گردد.

با این وجود، سال و ماهی یکبار مطالبی در روزنامه‌های مجاز بچاپ می‌رسد که حتی با استناد به همانها می‌توان گوشه‌ای از مناسبات ناعادلانه اجتماعی و شرایط غیرانسانی حاکم بر مراکز کار و فجایع ناشی از عدم اتخاذ و بکارگیری تدابیر ایمنی کار در آنها را نشان داد. در این زمینه، اخیراً روزنامه ابرار نامه‌ای از یک کارگر نوجوان بچاپ رسانده است، که در واقع به آن می‌توان بعنوان آئینه‌ای نگریست که جنبه‌هایی از زندگی دشوار کارگران در شرایط حاکمیت رژیم مدافع سرمایه‌داران و کارفرمایان در آن بازتاب یافته است. موضوع از این قرار است که کارفرمایی با اصرار و پافشاری و تهدید به اخراج، کارگر ساده ۱۶ ساله‌ای را پس از سه سال کار کمرشکن در کارخانه، ("کارخانه تک فیلتر")، با دستمزد روزانه هفتاد تومان، در پشت دستگاه پرس قرار می‌دهد و کارگر از روی نداری و نیاز و بخاطر پر کردن شکم خود و خانواده‌اش بناگزر این کار را می‌پذیرد و در نتیجه ناآشنائی با دستگاه یک انگشت خود را از دست می‌دهد و بی‌نصیب از هر گونه تأمین اجتماعی به سپاه بیش از پنج میلیونی بیکاران می‌پیوندد. نقلی مآووع از زبان خود کارگر خواندنی و قابل تعمق و بررسی است. او از جمله می‌نویسد:

"... (کارفرما) بمن دستور داد که پشت دستگاه پرس بروم و پرسکاری کنم. من به ایشان گفتم که تا حالا من با دستگاه پرس کار نکرده‌ام و نمی‌توانم چنین کاری را انجام دهم... مرا تهدید به اخراج نمود... از آنجائیکه بنده از خانواده‌ای بی‌بضاعت می‌باشم و شدیداً به کار و مزد آن احتیاج داشتم بالاچار پذیرفتم... و ناچاراً مشغول به کار شدم و مدت سه ماه تحت فشار کارفرما و آقای... پرسکاری کردم تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۱۲ ساعت سه بعدازظهر بعلت عدم ایجاد وسایلی ایمنی از طرف کارفرما انگشت سبابه دست راستم زبردستگاه پرس رفت و شدیداً مصدوم شد. توسط دفتردار کارخانه جهت مداوا به چندین بیمارستان دولتی مراجعه، ولی بدلائل مختلفی از پذیرش اینجانب امتناع گردید. بالاخره با موتور گازی به بیمارستان رسالت نو... مراجعه و پس از پنج ساعت تأخیر در مداوا، مورد عمل جراحی قرار گرفتم و دو دو بند و نیم از انگشت دست راستم قطع گردید و برای تمام عمر بخاطر اهمیت ندادن کارفرمایم علیل شدم... برای کسب تکلیف به کارخانه مراجعه کردم... از مسئول کارخانه سوال کردم من باید چکار بکنم، ایشان با خونسردی گفتند: از این

انگشتها اینجا زیاد قطع شده است" (ابزار ۶۶/۷/۱۹).

کارگر انگشت قطع شده، که دیگر قادر به پرسکاری نیست، به صاحب کارخانه مراجعه می‌کند و چنین می‌شود: "حالا برو هر وقت دستت خوب شد بیافکری برایت بکنم"، به اداره بیمه مراجعه می‌کند، می‌شنود که "الان حدود یک سال است که لیست شما را بما نداده‌اند و ما نمی‌توانیم برای شما کاری انجام دهیم." مجدداً به صاحب کارخانه مراجعه می‌کند و با تذکر اینکه هر ماه ۱۶۸ تومان از حقوق ناچیزش بعنوان حق بیمه کسر می‌شده می‌پرسد که چرا حق بیمه‌اش یکسال پرداخت نشده است؟ در آنجا "با هتاک می‌کنم" صاحب کارخانه روبرو می‌شود و می‌شود که "دلم خواسته... اگر می‌خواهی در اینجا کار کنی نباید صدایت در بیاید... شایان ذکر است که تاکنون به این درو آن در زدن کارگر سانحه دیده به جایی نرسیده است و برای آنکه دست او به جایی بند نشود، کارخانه‌دار دیگری "در جهت تخلیف زدایی در اداره بیمه" به نفع این کارخانه‌دار اقداماتی را انجام داده است. در ارتباط با این سانحه که نمونه‌ای از سوانح پر شمار هر روزه محیط‌های کار در کشور است، مسأله زیر مطرح می‌گردد:

- اینکه، کارفرمایانی بخود اجازه می‌دهند با احساس امنیت کامل کودکان ۱۲ ساله را استخدام کنند و با دستمزد ناچیز و حیثانه تحت بهره‌کشی قرار دهند، نشانگر عدم رعایت حقوق کودکان در جمهوری اسلامی است؛

- اینکه، نوجوانانی بخاطر نیاز به چندر قاز حقوق، ناگزیر باشند به شرایط دشوار و تحمیلات ناروای کارفرمایان مورد پشتیبانی سران مرتجع جمهوری اسلامی تن در دهند، بیانگر وضع نکبت بار و فقر آلودی است که رژیم ضدخلفتی برای کارگران و دیگر زحمتکشان بوجود آورده است.

- اینکه، مبلغ قابل توجهی از حقوق کارگران بعنوان حق بیمه به کیسه تأمین اجتماعی سرازیر شود و در مواردی نه اندک، بویژه در سالهای اخیر، کارفرمایان به دستاویزهای گوناگون، گاه برای چند سال از پرداخت حق بیمه کارگران خودداری کنند و بیمارستانها کارگران سانحه دیده را به یکدیگر پاس دهند، جز بمعنای غارت کارگران و در بیماری و بیکاری و از کار افتادگی به حال خود رها ساختن آنها نیست.

- اینکه، کارفرمایان به کارگران بگویند "از این انگشتها اینجا زیاد قطع شده است" و "اگر می‌خواهی در اینجا کار کنی نباید صدایت در بیاید"، باید دید پشت این هرزه گویان تبهکار و سرکوبگر به کجا گرم است. اگر رژیم "ولایت فقیه" دست گرم پشتیبانی خود را بر پشت آنها نیکی‌گذارد و نگذارد، چگونه کارفرمایان جرات حاکم ساختن چنین مناسبات ظالمانه و در پیش گرفتن چنین رفتار غیرانسانی را بخود میدهند؟ چنانکه در ابتدای مطلب خاطر نشان ساختیم،

شمار سوانح کار افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. این افزایش بی‌سابقه نیز ریشه در واقعیت عینی، یعنی اوضاع اقتصادی-اجتماعی حاکم بر جامعه و وضعیت زندگی زحمتکشان دارد. وجود ارتش چند میلیونی بیکاران در پشت در کارگاهها و کارخانه‌ها، نبود هرگونه امنیت شغلی، هراس دائمی کارگران شاغل از کابوس اخراج و بیکاری و تن دادن بیکاران به شرایط کار ظالمانه و خشن‌ترین انواع بهره‌کشی، بخاطر دستیابی به یک لقمه نان بخور و نسیر برای خود و خانواده فقیرشان از جمله عوامل پراهمیت افزایش سوانح کار است.

ناگفته روشن است که در چنین شرایطی، سرمایه‌داران و کارفرمایان، با آگاهی از وضع نابسامان زندگی کارگران و نیاز شدید آنها به کار، برای کسب سود بیشتر، بر شدت کار و آهنگ تولید از جمله از طریق کور کردن عمومی سیستمهای ایمنی ماشین آلات (اگر این سیستم اصولاً وجود داشته باشد) می‌افزایند و این به خودی خود راه را برای حادثه آفرینی و قربانی شدن کارگران می‌گشاید.

افزون بر اینها، اگر بر تعداد سوانح کار بمیزان بی‌سابقه‌ای افزوده شده است بخاطر آنستکه:

- کارگران زیر فشارهای گوناگون و تحت تأثیر خستگی مفرط و فرسودگی شدید عصبی ناشی از شدت کار بیش از اندازه، پریشان خاطر در پشت دستگاههای کار خود می‌ایستند،

- قانون کار مترقی و مجریان دلسوز و انقلابی که مدافع منافع کارگران باشند، وجود ندارند، بخاطر سیاست سرکوبگرانه و تشکل ستیزانه ضدکارگری رژیم، کارگران از تشکل‌های مستقلی و واقعی صنفی مدافع حقوق خود در محیط‌های کار و تولید محرومند،

- کارگران آموزش حرفه‌ای ضرور را نمی‌بینند،

- وزارت کار هیچ گونه کنترل جدی و موثری بر اجرای تدابیر ایمنی در کارگاهها و کارخانه‌ها ندارد و در شرایطی که رژیم با بحران اقتصادی و ورشکستگی شدید مالی روبروست و میکوشد از هر امکانی برای تولید بیشتر و دوشیدن کارگران بمنظور ادامه جنگ استفاده کند، وزارت کار، علیرغم شعارهای پوچ طرفداری از کارگران، بیش از گذشته به دفاع از کارفرمایان و مدیران و سرمایه‌داران می‌پردازد.

تأمین امنیت جانی کارگران در محیط‌های کار و تولید در گرو کاربست تدابیر ویژه‌ای از جمله تجهیز وسایلی و ابزار کار به سیستم حفاظت ایمنی، آموزش حرفه‌ای ضرور و برپائی کمیته‌های کنترل حفاظت کار با شرکت مستقیم نمایندگان کارگران است. تدابیر ایمنی زمانی کارساز و موثرواقع خواهند شد که زحمتکشان از یک قانون کار مترقی و از امنیت شغلی و حق تشکل آزادانه در پرتو یک نظام دمکراتیک برخوردار باشند.



قدرت اخلاقی

از آنرو که خود باز پروری برای افراد انقلابی عنصر زنده و فعالی از مبارزه بشمار می رود ، دارای اهمیت جدی است. زیرا تبلیغ اندیشه های پاک و نجیبانه در بین توده های مردم ، اگر توسط عناصر پاک و برخوردار از اخلاق انقلابی انجام گیرد، ثمرات نیکی ببار می آورد.

افراد انقلابی در زندگی روزمره ، در تماس فعال با مردم بخاطر فراهم ساختن پیش زمینه های پیشبرد آماجهای مقدس خود باید با درستکاری ، نیک اندیشی و شایستگی خویش ، اعتماد توده ها را جلب کنند. جلب اعتماد و کسب حیثیت معنوی و احترام مردم از ویژگی های شخصیتی یک انقلابی خوب است. بی دلیل نیست که لنین در پرداختن به مضمون فعالیت انقلابی در بین توده ها از جمله بر ضرورت جلب "اعتماد مطلق" توده ها تکیه می کند. این اعتماد مطلق قطع نظر از مسلح بودن یک حزب سیاسی به تئوری انقلابی و آرمانهای انسانی، استراتژی و تاکتیک درست در مبارزه ، به مبلغان و سازمانگران مومن و ایثارگر و درستکار نیاز دارد. مردم اغلب با دقت در رفتار و صفات و سجایای اخلاقی مبلغان و بیانگران اندیشه های اجتماعی، بر اندیشه ای مهر رد و بر اندیشه ای دیگر مهر تایید می زنند ، به آن می گروند و اعتماد مطلق نشان می دهند.

در نبرد معیارها و موازین اخلاقی ، که خود عرصه و جلوه ای از نبرد بزرگ و سهناگین طبقاتی بین بهره دهان و بهره کشان است ، توده های مردم داوران عادل و نهایی هستند و آنجا که در روند پیگیری کار و پییکار بین حرف و عمل انقلابی مبارزان راه سعادت پسر مرزی نمی بینند ، پایه های پرتوان اعتماد خویش را پی ریزی می کنند و این امر طبیعی است. چراکه زندگی به آنها آموخته است ، تنها به آن عناصر و نیروهای اجتماعی و سیاسی می توان اعتماد کرد که از ثبات و پیگیری ، صداقت و ایمان ، حیثیت گوئی و درستکاری یا در یک کلام: اخلاق انقلابی ، برخوردار باشند. مردم به نیروهایی که در عمل شور و شعور انقلابی و سلامت خصایل اخلاقی خود را در آزمون های دشوار تاریخ به نمایش نگذارند ، اعتماد نشان نمی دهند. این سخنان هرگز به معنای آن نیست که به علل کاملاً عینی ، در برهه کوتاهی از زمان ، در اینجا یا آنجا ، اکثریت توده ها نیز در قضاوت خود به راه خطا نرفته یا نروند.

با این وجود ، باید گفت و تاکید کرد که توده های مردم تنها به کسانی اعتماد می کنند که در زندگی درازمدت و پرفراز و فرود ، در آنها صفات و سجایای اخلاقی برتری مشاهده کنند. آنان که از ثبات قدم و پایداری اندیشه برخوردار نیستند و هر روز به فراخور خوش و ناخوش روزگار یا برای دستیابی به مقاصد جاه طلبانه شخصی جامعه تعلق به اندیشه و

سازمان دیگری را بر تن می کنند و بتول معروف گویی عضو حزب باد هستند که هر طرف باد بپاید بادش می دهند ، نمی توانند اعتماد مردم را نسبت به خود و اندیشه ای که به دفاع از آن می پردازند ، جلب کنند.

انقلاب به انقلابیون خوب و برخوردار از اخلاق انقلابی ، انقلابیون محبوب و با حیثیت نیاز دارد. محبوبیت و حیثیت ، که خود ثمره وجود اخلاق انقلابی است ، در لحظات دشوار و حساس مبارزه همواره به کمک فرد و نیروی انقلابی می آید و بویژه در شرایط دشوار مبارزه مخفی چتر امنیتی مناسبی برای پیکارگران پنهانکار فراهم می سازد. به کسب محبوبیت و حیثیت واقعی ، و نه پوشالی ، بخصوص از نقطه نظر ضرورت بسیج نیرو در شرایط حساس معین ، برای کشاندن توده های هر چه وسیعتر بسود هدف های انقلابی و در جهت رویارویی با نیروهای ضدانقلابی و سرکوبگر باید توجه کرد. در آستانه انقلاب کبیر اکتبر ، اگر "قدرت اخلاقی" بلشویکها نبود ، اگر سطح بالای محبوبیت و حیثیت و اعتماد واقعی توده ها به ۲۴ هزار عضو حزب بلشویک و آرمانهای این حزب نبود ، و اگر "قدرت اخلاقی" حزب بلشویکها مدافعان خویش را در بین طبقه کارگر جهانی نیافته بود ، بلشویکها هرگز نمی توانستند به پیروزی دست یابند ، سرنوشت مردم روسیه و مضمون دوران را دگرگون سازند و چشم انداز نوینی در برابر خلق های جهان بکشایند. لنین درباره "قدرت اخلاقی" پرولتاریای روسیه با خطوط درخشانی نوشت که با تکیه بر هواداری و پشتیبانی کارگران کشورهای پیشرفته ، "پرولتاریای ما سیرولتاریای از نظر کمی ضعیف و از نظر و محرومیت در رنج - پیروز شد ، بخاطر آنکه از قدرت اخلاقی برخوردار بود" (مجموعه آثار ، جلد ۲۲ ، ص ۲۷۶).

لنین معیار اجتماعی بنیادی اخلاق کمونیستی را اینچنین عرضه داشت:

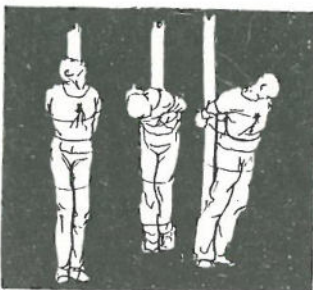
" اخلاق در خدمت این هدف است که جامعه انسانی به سطحی بالاتر ارتقا یابد و از شر بهره کشی از نیروی کار رها گردد" (مجموعه آثار ، جلد ۲۱ ، ص ۲۹۴). این معیار هم انسانی است و هم واقعگرا.

سخن کوتاه ، به نتیجه گیری می پردازیم: پس از یورش های وحشیانه نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی و دمکراتیک ، از جمله و بویژه حزب توده ایران ، ارتجاع حاکم با توسل به کثیف ترین حربه ها تلاش ورزید تا چهره ، آرمانهای انسانی و معیارهای اخلاقی مدافعان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را در پیشگاه مردم حداقل زیر علامت سوال ببرد و با دگرگون جلوه گر سازد. ولی امروز ، واقعیت رشد گرایش بسوی حزب ما در داخل جامعه و افزایش محبوبیت و حیثیت توده ای ها در بین مردم ،

گواهی بر ناکامی رژیم در اجرای این توطئه پلید به حساب می آید.

در شرایط کنونی ، اعضا و هواداران حزب ما بمنظور افزایش بیش از پیش اعتماد توده های مردم ، که کاری جدی ، پیگیر ، سرشار از فداکاری و از خود گذشتگی و صبر و شکیبائی را می طلبد ، باید از هیچ کوششی ، از جمله خودباز پروری مدام بر پایه برخورد صادقانه انتقادی نسبت به خویش فروگذار نکنند. آنان که در این راه دشوار خودسازی پای مینهند ، باید همواره همانند انقلابهای اجتماعی پرولتری ، بتول مارکس "چکامه خود را فقط از متن آینده ... برداشت کنند نه از گذشته" (مجموعه پرومروئی بناپارت ، ص ۲۵) و در این راه "مدام از خود انتقاد" کنند و "خصلت نیم بند و جوانب ضعف و فقر تلاشهای اولیه خود را بیرحمانه بیاد استهزا" (همانجا) بگیرند.

توده ای ها نباید از نظر دور دارند ، که بعنوان سربازان ارتش عظیم جنبش کارگری و کمونیستی ، در هر محیطی که کار و زندگی و فعالیت می کنند ، باید با بسیج تمامی امکانات و نیروهای معنوی خویش بکوشند معرف و نمونه ای از فرهنگ و تربیت انقلابی باشند. توده ای ها با پایبندی به اصول و موازین اخلاق انقلابی در واقع بایستی با عمل خود به مردم نشان دهند ، که کدام اصول و موازین اخلاقی را شایسته جامعه بشری دلخواه خود می دانند. توده ای ها با خودسازی و پرورش بهترین صفات و ویژگیهای انسانی و انقلابی باید زندگی خود را با شوربختی و شیرین کامی ها ، با دردها ورنجها و شادیهای مردم درآمیزند. تنها از رهگذر همزیستی و هم نشینی خونگرمانه و بی ریا با مردم است که می توان همدلی فداکارانه و همبستگی ژرف و اعتماد پرتوان آنها را جلب کرد و قدرت اخلاقی خود را به اثبات رساند و از آن در تند پیچ های دگرگونی های سرنوشت ساز آینده در میهن مان بسود خلق بهره گرفت.



توضیح لازم

رفتای حزبی بهنگام مطالعه نامه زنده یاد رفیق نامور در شماره ۱۸۰ "نامه مردم" بی شک متوجه شده اند که رفیق فقید ما بالای نامه خود بجای ۱۶ مهرماه ۶۶ سهوا نوشته است ۱۶ مهرماه ۶۵.

درد بر زندانیان توده ای و دیگر مبارزان انقلابی دربند!

اعتراض به بازداشت

رفقا کوتلو و سارگین

روز دوشنبه ۱۶ نوامبر حیدر کوتلو، دبیرکل حزب کمونیست ترکیه، و نیهست سارگین، دبیرکل حزب کارگر ترکیه، به هنگام ورود به میهن خود در فرودگاه بازداشت شدند. بنا بر اطلاع وکلای مدافع آنها، مقامات امنیتی فرودگاه دو رهبر حزب برادر را به مرکز شهر بانی آنکارا بردند. رفقا حیدر کوتلو و نیهست سارگین پس از مهاجرت چند ساله به ترکیه بازگشتند، تا، بگفته خود، "قانونیت حزب کمونیست متحد ترکیه را بر رژیم "آنکارا" تحمیل کنند و از اینراه به استقرار دموکراسی در این کشور کمک رسانند". حیدر کوتلو یک هفته پیش در کنفرانسی مطبوعاتی خواستار آن شده بود، که "ترکیه در "ناتو" نقش مثبتی را بازی کند". او بسیاری از دشواریهای کشور را محصول وابستگی ترکیه به "ناتو" و ایالات متحده آمریکا خواند. رهبر حزب کمونیست ترکیه خواستار آن شد، که مسئله کردها برپایه حق تعیین سرنوشت خلق کرد حل گردد.

از جمله همراهان کوتلو و سارگین در بازگشت به میهن شخصیت‌های برجسته کشورهای اروپا، نمایندگان پارلمان‌های فرانسه، ایتالیا، هلند، دانمارک، جمهوری فدرال آلمان، "پارلمان اروپا" و عده زیادی روزنامه نگار بودند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت نامه زیر را به حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه فرستاد:

به: حزب کمونیست ترکیه
حزب کارگر ترکیه
رفقای عزیز،

خبر دستگیری رفقا حیدر کوتلو و نیهست سارگین از سوی مقامات ترکیه انزجار ما را برانگیخت. ما این اقدام خودسرانه را محکوم می‌کنیم و پشتیبانی خویش را از پیکارتان علیه دیکتاتوری و برای فعالیت قانونی "حزب کمونیست متحد ترکیه" ابراز میداریم

با دروهای کمونیستی کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی حزب توده ایران همچنین تلگرام زیر را به آنکارا مخابره کرد:

به: دولت ترکیه

حزب توده ایران دستگیری خودسرانه رفقا حیدر کوتلو و نیهست سارگین را بشدت محکوم می‌کند. ما خواستار آزادی فوری آنان و استقرار قانونیت کامل برای حزب کمونیست متحد ترکیه هستیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

علیه ادامه جنگ و فقر

کشورهای "جهان سوم" به صحنه‌ای از پرخوردها و کشمکش‌های خونین میان نیروهای ملی و امپریالیسم تبدیل شده‌اند. استعمارگران سابق می‌کوشند، به هر وسیله‌ای که هست موقعیت خود را در این کشورها حفظ کنند و تسلط شیطان‌ی خویش بر منابع حیاتی، اقتصاد و سیاست آنها را ادامه دهند. نواستعمار نخست کشورهای جهان سوم را به فقر می‌کشاند، آنگاه به آنها "کمک" می‌کند تا خود را از "گرداب فقر" نجات دهند، به مناقشات محلی دامن می‌زنند، سپس به آنها پیشنهاد می‌کند، "برای دفاع از خود" جنگ‌افزار بخرند، هستی و نیستی آنها را به غارت می‌برد، سپس "وام" در اختیار شان می‌گذارد.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد: در همان حال که میلیونها زن و مرد و کودک در افریقا دچار گرسنگی دائمی‌اند، امپریالیسم جهانی تنها در سال ۱۹۸۲ به این کشورها ۱۵۱۱ میلیون دلار اسلحه فروخته است. در این سال کشورهای خاورمیانه و نزدیک، علیرغم فقر اقتصادی، ۴۵۴۸ میلیون دلار، کشورهای خاور دور ۲۸۷ میلیون دلار، کشورهای جنوب آسیا ۸۱ میلیون دلار و کشورهای امریکای لاتین ۱۰۵ میلیون دلار جنگ‌افزار خریده‌اند.

امپریالیسم جهانی با دامن زدن به اختلافات محلی و منطقه‌ای، با سازمان دادن تروریسم و ایجاد وحشت، با تدارک و اجرای کودتاهای نظامی و تبلیغ وحشت، کشورهای در حال رشد را به سوی نظامیگری و خرید هرچه بیشتر جنگ‌افزار سوق می‌دهند. آمارها نشان می‌دهند، که تعداد نیروهای مسلح این کشورها در فاصله ده سال (۸۰-۱۹۷۰) ۹ میلیون نفر افزایش یافته است. به عنوان نمونه، در این مدت مراکش ۱۸۵ درصد، پاکستان ۱۱۵ درصد، تایلند ۱۲۶ درصد، فیلیپین ۱۹۰ درصد، پرو ۱۶۳ درصد و شیلی ۱۲۹ درصد بر نیروهای مسلح خود افزوده‌اند.

در فاصله سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ امپریالیسم جهانی ۳۳۶۵ تانک، ۲۴۹۵ توپ ضد هوایی، ۴۴۸۵ توپ، ۱۲۱۵۵ زره پوش، ۷ کشتی جنگی، ۱۲۶ ناوشکن، ۱۸ زیردریایی، ۱۸ موشک بردیایی، ۱۲۱۵ هواپیمای مافوق صوت، ۲۰۲۵ هواپیما و هلیکوپتر نظامی، ۱۰ هزار موشک زمین به هوا و هزاران تن سلاح دیگر به کشورهای در حال رشد فروخته است.

اختصاص بخش مهمی از بودجه‌های این کشورها به خرید این کوه فولاد بی تردید تأثیری هلاکت بار روی مجموعه نظام اقتصادی-اجتماعی آنها باقی می‌گذارد، تکامل آنها را کند می‌سازد و مانع رشد و بازسازی شان می‌شود. پیش‌بینی‌های "سازمان جهانی خواربار و کشاورزی" نشان می‌دهد، که اگر کشورهای در حال رشد می‌توانستند در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بین ۷ تا ۸ درصد از بودجه‌های نظامی خود را کاهش

دهند، زمین‌های زیر کشت آنها در پایان سال ۱۹۹۰ از ۷۴۴ میلیون هکتار به ۸۲۹ میلیون هکتار افزایش می‌یافت، میزان مصرف کودهای کشاورزی از ۱۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تن به ۴۷/۷ میلیون تن و تعداد تراکتورهای آنها از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار به ۵/۲ میلیون می‌رسید.

واقعیتها نشان می‌دهند، که بودجه‌های نظامی کشورهای "جهان سوم"، در مقایسه با سرمایه‌گذاریهایی، که در زمینه‌های اقتصاد، بازرگانی و امور اجتماعی انجام می‌دهند، بینهایت زیاد است. کشورهای یاد شده هر سال کم و بیش بین ۲۰ تا ۵۰ درصد از درآمدهای خود را صرف امور نظامی می‌کنند. این در عمل پولی است که آنها مستقیماً به گاو صندوق‌های امپریالیسم جهانی می‌ریزند.

تابلوی نم انگیز زندگی

در کشورهای در حال رشد "جهان سوم" بیش از یک میلیارد انسان در شرایط فقر کامل بسر می‌برند. آمارهای سازمان ملل متحد تأکید می‌کند: از هر چهار انسان یک نفر از کم‌غذایی رنج می‌کشد. میلیونها نفر گرسنه‌اند. باید توجه داشت، که تولید مواد غذایی در امریکای لاتین در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ فقط ۱/۹ درصد افزایش یافته است، در حالیکه در همین مدت جمعیت این بخش از جهان ۱۲ درصد بیشتر شده است. این رقم در خاور دور ۱/۶ درصد در برابر ۱۱/۵ درصد رشد جمعیت، در افریقا ۱/۲ درصد در برابر ۱۲/۱۴ درصد رشد جمعیت و در بسیاری دیگر از کشورهای آسیایی بین ۱/۵ تا ۱ درصد در برابر ۱۰ تا ۱۲ درصد رشد جمعیت است. در همین مدت مصرف کالری بین ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. در کشورهای "جهان سوم" هر سال بیش از ۵۰ میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند، بیش از ۲۵۰ هزار کودک بر اثر کمبود ویتامین بینائی خود را از دست می‌دهند، میلیونها نفر بی‌خانه، بیسواد و بیمارند. بلیه در ص ۵

اعتراض به دولت بنگلادش

بگزارش روزنامه دولتی "جاناتا"، دولت داکا حزب کمونیست بنگلادش و دو حزب چپ دیگر این کشور را غیر قانونی اعلام داشت. کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت، تلگرام زیر را به دولت بنگلادش مخابره کرد:

به: دولت بنگلادش

حزب توده ایران اعتراض شدید خود را نسبت به منع فعالیت قانونی حزب کمونیست بنگلادش و دیگر سازمانهای دمکراتیک ابراز میدارد. ما خواهان تأمین فعالیت قانونی این سازمانها و احترام به آزادیهای دمکراتیک هستیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

NAMEH
MARDOM
NO: 182

آدرس پستی:
P.B.49034
10028 Stockholm 49
Sweden